

پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه ایرانیان ترکمن

محمدامین کنعانی*

معمولاً الگوی سنی ازدواج در میان اقوامی مانند ایرانیان ترکمن الگویی زودرس شناخته شده است. به عبارت دیگر غالباً قومیت را به عنوان نیرویی از نیروهای سنت، عامل کاهش سن ازدواج دانسته‌اند. در این مقاله برای بررسی این مسئله، ابتدا مروری بر آثار مردم‌شناختی و گزارش‌های منتشر شده درباره سن ازدواج در میان ایرانیان ترکمن داشته و سپس از روی منابع آماری موجود، مانند سرشماری‌ها و آمارگیری‌های نمونه‌ای در مناطق سکونت ترکمن‌ها به ویژه شهرستان ترکمن به تحلیل این واقعه پرداخته‌ایم.

این بررسی نشان می‌دهد که اگرچه در گذشته ازدواج زودرس در میان این مردم و به ویژه زنان نسبتاً شایع بوده، ولی در چند دهه اخیر متوسط سن ازدواج هر دو جنس به طور قابل توجهی افزایش یافته است و زنان و مردان به طور متوسط در سنین نسبتاً بالایی وارد زندگی زناشویی می‌شوند.

به نظر می‌رسد که عامل نوسازی بر افزایش سن ازدواج ترکمن‌ها تأثیر داشته است، چنان‌که افزایش سن ازدواج از زمانی شدت می‌گیرد که برخی از مشخصه‌های نوسازی مانند سواد در میان آنها رونق یافته است. اما در حقیقت، برخی هنجارهای سنتی حاکم بر ازدواج مانند پدیده درون‌همسری و رسم پرداخت شیربها از طرف خانواده داماد در ترکیب با میزان‌های بالای سواد در اثر جریان نوسازی و میزان‌های بالای بیکاری در اثر به هم خوردن ساختارهای اقتصادی و اجتماعی نیز تأثیر عمده‌ای در افزایش سن ازدواج این مردم داشته است.

واژگان کلیدی: سن ازدواج، سنت، نوسازی، ترکمن، ایران.

* استادیار دانشگاه گیلان، aminkanani@yahoo.com

نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یکم، شماره ۱، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۴-۱۲۶

مقدمه

فرایند تشکیل خانواده و ازدواج به عنوان یکی از مراحل اساسی زندگی افراد در جامعه و تأثیرگذار بر روی سایر فرایندها و پدیده‌های جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مورد علاقه و توجه محققین رشته‌های مختلف علوم اجتماعی بوده است. جمعیت‌شناسان ازدواج را به عنوان یکی از وقایع حیاتی و پدیده‌ای تأثیرگذار بر روی سه فرایند مهم جمعیتی یعنی باروری، مرگ و میر و مهاجرت مورد مطالعه قرار می‌دهند. از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی نیز مطالعه ازدواج هم به عنوان یک رسم و هم به عنوان یک نهاد اجتماعی و تأثیر آن در پیوندهای گروهی و اجتماعی اهمیت بسزایی دارد. در این اواخر علمای اقتصاد نیز با ارائه نظریاتی در باب ازدواج و تعریف آن بر حسب قواعد عرضه و تقاضا و بازار جایی را در مطالعه ازدواج برای خود باز کرده‌اند.

یکی از دلایل مهم اهمیت یافتن مطالعه در زمینه ازدواج در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی تغییرات سریع این پدیده در طول و جریان فرایند نوسازی و توسعه جوامع مختلف بوده است. تغییر در شیوه تولید و زندگی و نیازهای جدیدی که در جامعه مطرح می‌شود موجب تغییراتی در کیفیت رفتارهای انسانی می‌شود که به نوبه خود تغییراتی را در جنبه‌های مختلف زندگی خانوادگی و به‌ویژه زمان تشکیل خانواده و سن ازدواج به وجود می‌آورد.

با این وجود، شناخت در مورد پدیده ازدواج و سن وقوع آن بسیار اندک و محدود است. به عنوان مثال، معمولاً تصور بر این است که مناطق روستایی یا دورافتاده یا گروه‌های پایین‌تر از نظر اقتصادی در سنین پایین‌تری ازدواج می‌کنند و با ورود عناصر نوسازی مانند تغییر در وضعیت اقتصادی، شغل، تحصیلات و غیره سن ازدواج افزایش می‌یابد. اگرچه برخی تحقیقات چنین آموزه‌هایی را تأیید می‌کنند، ولی می‌توان مواردی را نیز یافت که با این آموزه‌ها انطباق ندارند. به عنوان مثال ایرلند اگرچه نسبت به سایر مناطق اروپا از سطح توسعه پایین‌تری برخوردار بود، ولی این کشور دارای بالاترین سن ازدواج در اروپا بود (کارکال^۱ ۱۹۶۸). همزمان با توسعه اقتصادی در این کشور میانگین سن ازدواج نه تنها افزایش نمی‌یابد، بلکه روند نزولی طی می‌کند (والش^۲ ۱۹۸۸، سازمان ملل^۳ ۱۹۷۲). در میان کشورهای آسیایی از سریلانکا به عنوان ایرلند آسیا نام برده شده است (کرک^۴ ۱۹۶۹)، زیرا که حتی در اوایل قرن بیستم زنان در این کشور نه در دوران بلوغ (که سن متعارف ازدواج زنان در کشورهای شبه قاره هند بود) بلکه

1. Karkal
3. United Nations

2. Walsh
4. Kirk

یک دهه بعد ازدواج می‌کردند (دسیلوا^۱، ۱۹۹۰، مالهوترا و تسوی^۲، ۱۹۹۶).

میزان شناخت از این پدیده در ایران و به‌ویژه در میان گروه‌های قومی نیز بسیار اندک است. در آثار و نوشته‌های موجود اغلب این تصور غالب است که در میان گروه‌های قومی به دلیل غالب بودن هنجارهای سنتی و ویژگی‌های فرهنگی مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده که ریشه در شیوه زندگی و ویژگی‌های فرهنگی خاص گذشته آنها دارد یا پایین بودن سطح توسعه اقتصادی، ازدواج زودرس بوده و سن ازدواج پایین است (کاظمی پور ۱۳۸۳).

اما در میان اقوام ایرانی مواردی وجود دارد که سن ازدواج در میان آنها نه تنها پایین نیست، بلکه نسبت به بسیاری از مناطق دیگر و به‌ویژه سایر گروه‌های قومی کشور نسبتاً بالاست. یکی از این اقوام ایرانی که یافته‌های اخیر حاکی از بالا بودن سن ازدواج آنهاست، ایرانیان ترکمن است. ایرانیان ترکمن که در استان گلستان و مناطق شمال و شمال غربی استان خراسان به سر می‌برند در طول چند دهه گذشته تحولات عمیقی را در زندگی اجتماعی و اقتصادی خود تجربه کرده‌اند. همزمان با این تحولات اقتصادی و اجتماعی، مانند افزایش شهرنشینی، آموزش و تحصیلات، ایجاد شغل‌های جدید و بالطبع ظهور قشرهای مختلف، نظام خانواده و هنجارهای حاکم بر آن نیز تغییرات اساسی یافته است. یکی از مهم‌ترین تأثیرات این تغییرات را می‌توان در تغییرات سن ازدواج آنها مشاهده کرد.

مطالعات مردم‌شناسان و همچنین برخی گزارش‌های جهانگردان که به‌طور پراکنده وجود دارند و به علاوه آثار تاریخی که تا اندازه‌ای به مطالعه وضعیت گذشته این قوم یاری می‌رسانند، مطالبی درباره سن ازدواج در میان این گروه قومی دارند که حاکی از پایین بودن این سن است. در بسیاری از این منابع به ازدواج کودکان نیز اشاراتی شده است، در حالی که بر خلاف این آثار و نوشته‌ها، آمارهای مستخرج از منابع آماری مانند سرشماری‌ها، ثبت احوال و پیمایش‌های نمونه‌ای اخیر نشان می‌دهند که سن ازدواج این گروه قومی نه تنها زود هنگام نیست، بلکه نسبت به سایر گروه‌های قومی در سطح کل کشور بالاتر است.

با توجه به موارد فوق، هدف مقاله حاضر بررسی تغییرات در الگوی سنی ازدواج در این جامعه و به‌ویژه زنان ترکمن طی دهه‌های اخیر و برخی عوامل مؤثر بر آن است. در این زمینه ابتدا نگاهی به آثار و نوشته‌های مردم‌شناختی، تاریخی و سفرنامه‌ها خواهیم داشت که اغلب نشانگر زودرس بودن ازدواج در میان این مردم در گذشته است و سپس بر اساس داده‌های سرشماری و پیمایش‌های نمونه‌ای انجام شده مانند آمارگیری از ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی

1. Desilva

2. Malhotra & Tsui

خانوار که توسط مرکز آمار کشور انجام شده است، تغییرات در الگوی سنی ازدواج این گروه قومی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبانی نظری

تبیین و توضیح الگوی سنی ازدواج و تغییرات آن در یک جامعه نیازمند نظریه‌ای است که این الگو را با فرد، خانواده و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی پیوند دهد، زیرا که ازدواج به معنای آغاز پیوند فرد با یک شریک جدید از جنس مخالف و پایه تشکیل زندگی مشترک و خانواده بر مبنای ابزارهای وفاق عمومی مانند عرف، قانون و شرع برای فرد، خانواده و جامعه از اهمیت زیادی برخوردار است و به همین دلیل هر فردی با توجه به ویژگی‌های خود، هر خانواده‌ای با توجه به زمینه‌ها و موقعیت خود و هر جامعه‌ای با توجه به مجموعه شرایط زمانی و مکانی، ایده‌آل‌ها، هنجارها و الگوهای را برای آغاز این پیوند تعیین و اعمال می‌کند. رهیافت‌های نظری مختلفی برای تبیین زمان آغاز فرایند ازدواج و تشکیل خانواده مطرح شده‌اند که در میان آنها دو نظریه مبادله و نوسازی شناخته شده‌تر هستند. در کنار اینها برخی اقتصاددانان مانند ایسترلین^۱ و بکر^۲ نیز سعی کرده‌اند که با استفاده از فرضیات اقتصاد خرد نظریه‌ای را دربارهٔ ازدواج ارائه کنند.

نظریه نوسازی که بر پایه ترکیب مدل‌های مفهومی دو نظریه جامعه‌شناختی: نظریه تکاملی قرن نوزدهم و نظریات کارکردی-ساختی قرن بیستم بسط یافته است، پایه نظری بسیاری از تحقیقات در زمینه تغییرات و تحولات در نظام خانواده و به‌ویژه سن ازدواج را تشکیل می‌دهد. ویلیام جی گود^۳ در سال ۱۹۶۳ با بررسی تغییرات ساختی خانواده در سرتاسر جهان تأثیر آن را بر سن ازدواج مورد بررسی قرار داده است. از نظر او فرایند جهانی نوسازی، صنعتی شدن و شهرنشینی موجب تغییر در ساختار سنتی خانواده و توسعه خانواده‌های جدید از نوع اروپایی در سراسر جهان شده است. در این فرایند نقش شبکه خویشاوندی در روابط خانوادگی تغییر یافته و الزامات دوجانبه بین زوج‌ها و شبکه خویشاوندی وجود ندارد. نومکانی، انتخاب آزادانه همسر، توافق اولیه بین زن و شوهر و ضرورت علاقه دوجانبه بین آنها از نتایج سازگاری خانواده با شرایط زندگی مدرن است و زمانی که چنین سیستمی از خانواده شکل می‌گیرد و زنان نقش بیشتری در فعالیت‌های خارج از خانه می‌یابند، ما باید انتظار تغییر الگوی عمومی سن ازدواج را داشته باشیم.

1. Easterline

2. Becker

3. William J. Good

پیتر سی. اسمیت^۱ در دهه ۱۹۸۰ با این زمینه فکری نوسازی معتقد است که اگرچه عوامل مؤثر بر ساختار خانواده و نتایج آنها پیچیده و برای جوامع غیر غربی متغیر است، با این وجود حداقل یک نتیجه مشابه حاصل شده است: «تغییر اجتماعی به ازدواج دیرتر هم برای مردان و هم برای زنان در تقریباً تمامی زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی مورد بررسی منجر شده است» (اسمیت ۱۹۸۰).

چارچوب نظری که با استفاده از این نظریه طرح‌ریزی شده، به‌طور ساده بین عوامل سنتی و غیرسنتی (مدرن) تمایز گذاشته است. بر این اساس عوامل سنتی عبارت‌اند از نظام خویشاوندی، تولید و ارث و عوامل غیر سنتی که در جریان نوسازی ایجاد می‌شوند، عبارت‌اند از گسترش فرصت‌های آموزشی و تحصیلی، تغییر در فعالیت اقتصادی نیروی کار و شهرنشینی (اسمیت ۱۹۸۰).

نظریه دیگری که برای تبیین تغییرات و اختلافات در سن ازدواج مورد استفاده قرار گرفته، نظریه مبادله است. فرض اساسی نظریه مبادله آن است که مردم در انتخاب‌های خود منطقی‌اند و در صدد به حداکثر رساندن سود خود از انتخاب و برقراری رابطه با دیگران هستند. این نظریه عمدتاً از طریق کارهای جورج هومنز و پیتر بلاو تأثیر عمده‌ای بر تحقیقات جامعه‌شناختی داشته است. بارتز و نای^۲ (۱۹۷۰) با کاربرد این نظریه در مورد ازدواج دو دسته علل تعیین‌کننده ازدواج را مشخص کردند. دسته اول آنهایی هستند که موجب می‌شوند ازدواج برای فرد رضایت بیشتری را نسبت به مجرد ماندن تأمین کند و دسته دوم آنهایی هستند که موجب می‌شوند ازدواج در میان بسیاری از جایگزین‌های نامطلوب برای فرد کمتر نامطلوب باشد. آنها با بررسی ۲۳ قضیه مرتبط با عوامل اقتصادی-اجتماعی مرتبط با ازدواج یک قضیه نظری عام مطرح کردند به این صورت که «هر قدر تفاوت مثبت بین رضایت مورد انتظار از ازدواج و رضایت دریافت شده از موقعیت کنونی فرد بیشتر باشد، احتمال ازدواج زودرس بیشتر خواهد بود.»

دیکسون (۱۹۷۱) بحث را به سطح جامعه و ساختارهای اجتماعی می‌کشد و بر روی اهمیت سه متغیر ما بین ساختار اجتماعی و الگوی ازدواج تأکید می‌کند: قابلیت دسترسی به شریک آینده زندگی که بر حسب نسبت‌های سنی-جنسی افراد در سن ازدواج اندازه‌گیری می‌شود؛ امکان‌پذیر بودن ازدواج بر حسب شرایط اجتماعی و اقتصادی؛ مطلوبیت ازدواج بر حسب فشارهای اجتماعی و انگیزه‌های فردی. با استفاده از چارچوب نظری تحلیل هزینه و فایده تحقیقات مختلفی انجام شده است. مطالعات اسکالر^۳ (۱۹۷۴)،

1. Peter C. Smith

2. Bartz and Nye

3. Sklar

دیکسون^۱ (۱۹۷۱ و ۱۹۷۸)، سریواستاوا^۲ (۱۹۸۶) در هند و مؤمنی (۱۹۷۹) در ایران تحقیقاتی بر پایه این نظریه بوده‌اند.

اقتصاددانانی مانند بکر و ایسترلین نیز نظیر مدافعان نظریه مبادله، پایه‌های اقتصادی را برای تبیین تغییرات در سن ازدواج ارائه کرده‌اند. به عنوان مثال، از نظر ایسترلین تصمیم فرد برای ازدواج و باروری بستگی به انتظارات اقتصادی وی دارد (اسپنشاد^۳ ۱۹۸۵؛ و لستاق^۴ ۱۹۹۸). بکر (۱۹۷۴) با ارائه نظریه اقتصادی ازدواج از نقش تصمیم‌گیری فرد در بازار ازدواج برای ازدواج کردن یا مجرد ماندن بر اساس منافع و هزینه‌های حاصل از این تصمیم بحث می‌کند. ویلیام‌گود در انتقاد به نظریه بکر به جنبه‌های هنجاری رفتار زناشویی و نقش خانواده تأکید می‌کند (گود ۱۹۷۴). در حقیقت در بسیاری از جوامع سنتی گذشته و حتی در جوامع معاصر، تصمیم فرد برای ازدواج یا مجرد ماندن در اختیار او نیست و بسیاری از عوامل، ویژگی‌ها و معیارها در سطح جامعه و خانواده در این تصمیم‌گیری مؤثرند. دیویس و بلیک (۱۹۶۳) با تأکید بر نقش والدین اشاره می‌کنند که ممکن است منافع ناشی از ازدواج یا مجرد ماندن فرد متوجه والدین فرد باشد و نه خود فرد.

کالدول^۵ منافع والدین از مجرد ماندن یا ازدواج فرزندان را با نظریه جریان ثروت بین نسلی در تبیین انتقال باروری مطرح می‌کند. از نظر او باروری بالا در جوامع سنتی مادامی که والدین قادر به کسب سود خالصی از تملک و کنترل بر کار فرزندان باشند، بی‌فایده یا زیانبار نخواهد بود. این سود به وسیله بخش‌بندی خانواده و جامعه بر حسب سن، جنس، پایگاه و رابطه زناشویی تضمین می‌شود. از نظر او این «روساخت فرهنگی» تا اندازه زیادی از طریق ازدواج ترتیب یافته‌ای حفظ می‌شود که کنترل والدین بر منابع خانواده را تضمین می‌کند (کالدول ۱۹۸۱). به همین سیاق، لستاق معتقد است که زمان ازدواج بار اول یکی از حساس‌ترین پارامترهای نشان‌دهنده کنترل والدین بر منابع کار فرزندان در یک خانواده است (۱۹۸۱).

بنابراین، الگوی ازدواج بر حسب اجتماعات و اقوامی که دارای فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی خاصی هستند، متغیر خواهد بود و به همین دلیل در بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج می‌بایستی این تفاوت‌ها در میان اجتماعات تشکیل‌دهنده جامعه کل به‌ویژه در جوامع چند قومی مورد توجه قرار گیرد. این تغییرات و تفاوت‌ها بر حسب قومیت در سن ازدواج یا سایر فرایندهای مربوط به تشکیل خانواده حتی در جوامع صنعتی و پیشرفته امروزی از جمله

1. Dixon

2. Srivastava

3. Espenshade

4. Lestaeghe

5. Caldwell

در ایالات متحده اهمیت خاصی دارد. مطالعات انجام شده در کشورهای آسیایی نیز نقش این عامل را در تفاوت در الگوی ازدواج نشان داده است. به عنوان مثال، وون اِلْم و هیرشمن^۱ (۱۹۷۹) در مطالعه‌ای که بر روی سن ازدواج سه گروه قومی مالزیایی، هندی و چینی ساکن در مالزی انجام داده بودند به این نتیجه می‌رسند که در میان متغیرهای مختلف زمینه‌ای و پیشینه‌ای، قومیت قوی‌ترین متغیر توضیح‌دهنده تفاوت‌ها در سن ازدواج این سه گروه قومی حتی پس از کنترل سایر متغیرهای زمینه‌ای بوده است. از نظر آنها این تفاوت‌های قومیتی عمدتاً از زمینه‌های فرهنگی متفاوت در مورد زمان مناسب ازدواج ناشی می‌شود. شیام تاپا^۲ (۱۹۸۹ و ۱۹۹۷) به این نتیجه می‌رسد که نقش عامل قومیت حتی پس از کنترل سایر عوامل اجتماعی - جمعیت‌شناختی برجسته است. نقش زمینه‌های فرهنگی متفاوت در مورد زمان ازدواج در تحقیقات بعدی نیز تا اندازه زیادی مورد تأیید قرار گرفته است (اکسنوس و گالتیانو^۳ ۱۹۹۲؛ مالهورا^۴ ۱۹۹۷؛ پالمور^۵ ۱۹۸۳؛ مینه^۶ ۱۹۹۷).

بنابراین در بررسی پدیده‌های اجتماعی - جمعیتی مانند الگوی سنی ازدواج در یک جامعه در حال گذار، علاوه بر فرایند نوسازی و متغیرهای نشانگر آن مانند شهرنشینی، سطح سواد و تحصیلات و اشتغال باید به نقش فرهنگ و ویژگی‌های فرهنگی، که می‌توانند تأثیر برجسته‌ای بر تغییرات آن پدیده داشته باشند نیز توجه شود.

روش تحقیق

از آنجا که هدف این مقاله عمدتاً مسئله‌یابی و به عبارت دیگر ارائه تحقیقی اکتشافی درباره وضعیت سن ازدواج (زود هنگام یا دیر هنگام بودن آن) در میان ایرانیان ترکمن است، روش تحقیق اسنادی و با استفاده از منابع دست دوم یا منابع موجود است. در مرحله اول به بررسی متون و آثار مردم‌شناختی یا برخی گزارش‌های موجود در مورد ایرانیان ترکمن در گذشته خواهیم پرداخت. در مرحله بعد با مراجعه به برخی منابع آماری موجود مانند سرشماری‌ها و آمارگیری‌های نمونه و محاسبه شاخص‌ها و سنج‌های جمعیتی مانند میانگین سن ازدواج بار اول به روش هاینل سعی در ارائه تصویری آماری از وضعیت سن ازدواج بر مبنای آمارهای رسمی موجود خواهیم داشت.

مشکل عمده در این مقاله عدم وجود آمارهای مناسب برای تحلیل وقایع اجتماعی بر اساس

1. Von Elmand Hirschman
3. Xenos & Gultiano
5. Palmore

2. Shyam Thapa
4. Malhotra
6. Minh

منابع آماری موجود در کشور است. یکی از مهم‌ترین دلایل بروز چنین مشکلی ضعف نظام آمارگیری در ایران به‌طور کلی و عدم توجه به بسیاری از مشخصه‌های مهم جمعیتی و اجتماعی مانند ویژگی‌های قومی به‌طور خاص است. تابو بودن اطلاعات قومی بنا به دلایل سیاسی به دنبال اجرای سیاست اسکان عشایر و به‌ویژه پیگیری سیاست‌های همانند سازی بر اساس به کارگیری نادرست آموزه‌های نوسازی در ایران این ضعف‌شناختی را گسترده‌تر کرده است.

سن ازدواج ترکمن‌ها در گزارش‌های مردم‌شناسی

بررسی در مورد زندگی، فرهنگ و آداب و رسوم ترکمن‌ها به مانند سایر اقوام ایرانی مورد علاقه مردم‌شناسان و سفرنامه‌نویسان بوده و در این زمینه رسوم مرتبط با آداب و رسوم ازدواج و تشکیل خانواده جایگاه ویژه‌ای داشته است. بر اساس این گزارش‌ها و تحقیقات، الگوی سنی ازدواج این گروه قومی به‌طور سنتی زودرس بوده است و زنان و مردان در سنین پایین ازدواج می‌کردند و به مانند اکثر جوامع توسعه نیافته و جوامع اسلامی عمومیت و پیشرسی ازدواج و حتی ازدواج کودکان از جمله ویژگی‌هایی بوده است که در الگوی سنی ازدواج ترکمن‌ها به‌طور فراوان مشاهده و گزارش شده است. در زیر به برخی از این گزارش‌ها اشاره می‌شود:

رابینو در سفرنامه مازندران و استرآباد (۱۹۶۴) ضمن توصیف برخی از رسوم مربوط به ازدواج در میان ترکمن‌ها، اشاره می‌کند که سن ازدواج در میان این مردم زودرس بوده است، به‌طوری که پسران در ۱۵ یا ۱۶ سالگی و دختران در سن ۹ یا ۱۰ سالگی ازدواج می‌کردند.

بی‌بی رابعه لوگاشوا در کتاب ترکمن‌های ایران (۱۳۵۹) با دیدگاهی اقتصادی و سیاسی به مناسبات اجتماعی و اقتصادی ترکمن‌ها پرداخته و در بخشی از این کتاب به نهاد خانواده، قدرت مطلق‌العنان مردان و پایگاه و وضع پایین زنان می‌پردازد. او نوشته است که «در گرگان و دشت گرگان، تا امروز نیز [زمان تحقیق او] یک دختر بچه ۸-۹ ساله را می‌توانند به پیرمرد ۵۰ ساله شوهر دهند یا برعکس زنی ۳۰ یا ۴۰ ساله را به نوجوانی ۱۵ ساله بدهند و گاهی هم هر دوی آنها - هم زن و هم شوهر - هفت ساله هستند.» (لوگاشوا ۱۳۵۹). لوگاشوا همچنین به رواج ازدواج کودکان، عمدتاً در میان ثروتمندان ترکمن جهت استفاده از مزایای اقتصادی ازدواج زودرس پسران جوانشان اشاره کرده است، زیرا این گروه می‌توانستند به راحتی مبلغ بالایی شیربهای عروس را پرداخت کنند. از آنجا که لوگاشوا محقق از شوروی سابق بوده است، ازدواج در سنین پایین را با تکیه به زمینه فکری خود و در ارتباط با مزایای اقتصادی ازدواج برای ثروتمندان و توانایی آنها به پرداخت شیربها و منتفع شدن آنها از این‌گونه ازدواج‌ها تحلیل می‌کند.

ویلیام آیرونز بر اساس داده‌های مردم‌نگاری خود که در دهه ۱۹۶۰ در میان یک اجتماع کوچک از ترکمن‌ها با سابقه عشایری (به عنوان یک اجتماع نمایاننده وضع گذشته جامعه ترکمن) در شمال شهر گنبد کاووس جمع‌آوری کرده بود، میانگین سن ازدواج در این اجتماع را برای مردان و زنان به ترتیب ۲۰ و ۱۵/۴ سال به دست آورده است. ولی واریانس سن ازدواج بسیار زیاد است، به طوری که اگرچه ازدواج در سنین پایین نیز مشاهده می‌شود، ولی ازدواج در سنین بالا نیز اندک نیست. آیرونز برای تبیین این اختلاف زیاد در سن ازدواج بین ترکمن‌ها فرضیه‌ای را بر اساس نظریه ایستر بوسروپ^۱ به کار می‌گیرد. بر اساس این فرضیه، برخی از رسوم اجتماعی از جمله رسم پرداخت شیربها سبب تأخیر در سن ازدواج و در نتیجه کاهش باروری می‌شود. از آنجا که جمع‌آوری مبلغ لازم برای شیربها حدود ۳ الی ۴ سال برای یک خانواده متوسط طول می‌کشد و پس از پرداخت آن نیز باز خانواده از نظر مالی در مضیقه قرار می‌گیرد، خانواده‌های فقیر به تأخیر انداختن زمان ازدواج فرزندان پسرشان تمایل پیدا می‌کنند. اما این رسم در سن ازدواج دختران تأثیری ندارد یا تأثیر عکس دارد، به طوری که خانوارهای فقیر با ازدواج دختران خود مبلغی پول از خانواده شوهر می‌گیرند و به همین دلیل با طرح اولین خواستگاری از دخترشان جواب مثبت می‌دهند (آیرونز ۱۳۵۳ و زیر چاپ). البته این فرضیه آیرونز توسط خود او و بر اساس داده‌های پیمایشی که در سال‌های ۱۹۷۳-۷۴ گردآوری کرده بود، رد شده است (آیرونز^۲ ۱۹۶۹).

پاپلی یزدی (۱۳۷۱) از مشاهدات مستقیم خود به همراه دانشجویان در یک اردوی دانشجویی درباره ازدواج کودکان در یک روستای دورافتاده ترکمن‌نشین در شمال خراسان گزارش داده است. او درباره پسرهای داماد شده‌ای صحبت می‌کند که در مدارس ابتدایی و راهنمایی روستا مشغول به تحصیل بودند. در مدرسه‌ای که او مشاهده کرده بود، ۴ نفر از دانش‌آموزان در کلاس سوم، ۲ نفر در کلاس چهارم و ۴ نفر در کلاس پنجم ابتدایی داماد شده بودند. همچنین داماد شده‌ها در پایه‌های مختلف راهنمایی ۲۱ نفر بودند که ۱۸ درصد از کل دانش‌آموزان این دوره را تشکیل می‌دادند. پاپلی وجود چنین ازدواج‌هایی را ناشی از وجود رسوم باقی‌مانده از دوران برده‌داری و خرید و فروش انسان ذکر می‌کند و معتقد است که این‌گونه ازدواج‌ها راه حلی ظاهراً شرعی برای ادامه برده‌داری است.

عسکری خانقاه و کمالی (۱۳۷۴)، با استفاده از دوگونه اطلاعات (سرشماری و نمونه‌گیری) درباره ترکیب سنی جمعیت و ازدواج در میان ترکمن‌ها بحث و به زودهنگام بودن آن اشاره

1. Boserup

2. Irons

کرده‌اند. براساس اطلاعات نمونه‌ای آنها از سه گروه قومی یموت، گوگلان و تکه، میانگین سن ازدواج در میان این سه گروه ایلی عمده ترکمن برای مردان به ترتیب ۱۹/۷، ۲۰/۱ و ۲۱/۲ سال و برای زنان آنها به ترتیب ۱۷/۴، ۱۷/۲ و ۱۹/۳ سال بوده است. محاسبه میانگین سن ازدواج توسط نگارنده از روی اطلاعات ارائه شده در آن کتاب نشان می‌دهد که در کل جمعیت نمونه میانگین سن ازدواج برای مردان ترکمن ۲۰/۲ و برای زنان ترکمن ۱۷/۸ سال بوده است.

نویسندگان این کتاب آمارهای جالبی را نیز از روی سرشماری سال ۱۳۵۵ ارائه کرده‌اند. آنها علاوه بر ارائه تعداد جمعیت ترکمن‌ها، آمار ترکیب جمعیت بر حسب سن، جنس و وضع زناشویی در میان دو گروه عمده جمعیتی ترکمن‌های ایران، یعنی یموت‌ها که عمدتاً ساکن مناطق غربی ترکمن صحرا و گوگلان‌ها که عمدتاً ساکن مناطق شرقی آن هستند، را نیز ارائه نموده‌اند. این آمارها می‌توانند برای محاسبه میانگین سن ازدواج به روش هاینل مفید باشند.

محاسبات انجام شده توسط نگارنده از روی آن اطلاعات نشان می‌دهند که سن ازدواج ترکمن‌ها در میان گوگلان‌ها در سال ۱۳۵۵ برای مردان ۲۲/۱ سال و برای زنان ۱۸/۳ سال بوده است، در حالی که در میان یموت‌ها مردان به‌طور متوسط در سن ۲۳/۶ سالگی و زنان به‌طور متوسط در سن ۲۰/۶ سالگی ازدواج می‌کرده‌اند. مقایسه این میانگین‌ها با سطح کل کشور (۲۴/۱ برای مردان و ۱۹/۷ برای زنان) نشان می‌دهد که در مناطق یموت‌نشین (مناطق غربی ترکمن صحرا) میانگین سن ازدواج برای مردان اگرچه پایین‌تر از سطح کل کشور، ولی نزدیک به آن بوده است، در حالی که میانگین سن ازدواج زنان حدود یک سال بالاتر از سطح کل کشور بوده است. همچنین در مناطق گوگلان‌نشین (مناطق شرقی ترکمن صحرا) میانگین سن ازدواج هر دو جنس پایین‌تر از سطح کل کشور بوده است. پایین بودن سن ازدواج ترکمن‌های گوگلان ممکن است با گزارش پاپلی یزدی درباره ازدواج زودرس در میان ترکمن‌ها، که در بالا اشاره شد، همخوانی داشته باشد. روستاهای مورد اشاره در گزارش پاپلی یزدی، روستاهای دورافتاده در منطقه «راز و جرگلان» بجنورد بوده است که عمدتاً گوگلان‌نشین هستند.

اگرچه بسیاری از منابع فوق در دهه‌های اخیر و پس از گسترش نوسازی در میان ترکمن‌ها انتشار یافته‌اند، مطالب اشاره شده در آنها را می‌توان نمایانگر وضعیت سنتی سن ازدواج در این جامعه دانست. زیرا در آن منابع، اولاً به ترکمن‌ها بیشتر به عنوان جامعه‌ای سنتی و عشایری نگاه شده و ثانیاً بیشتر بررسی‌های انجام شده و نمونه‌های مورد بررسی مربوط به نواحی روستایی دورافتاده‌ای هستند که در دهه‌های گذشته میزان محرومیت آنها بیشتر از نواحی دیگر بوده و تحول کمتری را شاهد بوده‌اند. ثالثاً به تغییرات و تحولات رخ داده به‌ویژه در مناطق شهری یا نزدیک به مناطق شهری و تأثیر این تحولات به‌ویژه بر روی سن ازدواج و افزایش آن در طول

چند دهه اخیر پرداخته نشده است.

سن ازدواج ترکمن‌ها بر اساس منابع آماری

بررسی سن ازدواج به کمک منابع آمارهای جمعیتی، یعنی سرشماری، ثبت وقایع حیاتی و آمارگیری‌های نمونه‌ای، حکایت و سیمای دیگری از سن ازدواج ایرانیان ترکمن را به‌ویژه در دوران کنونی نقل و ترسیم می‌کنند که به نظر می‌رسد از گزارش‌های مردم‌شناسی در این باره و وضعیت گذشته آن کاملاً متفاوت است.

الف: سرشماری‌ها

بررسی سن ازدواج اقوام ایرانی بر اساس داده‌های سرشماری با دو مشکل اساسی رو به رو است. اولاً، در سرشماری‌ها هیچ پرسش مستقیمی دربارهٔ سن ازدواج افراد خانوار وجود ندارد. علی‌رغم این، می‌توان بر حسب ترکیب سنی مجردین، میانگین سن ازدواج بار اول را به کمک روشی که به نام ابداع‌کنندهٔ آن جان هاینل معروف است محاسبه کرد. مشکل دومی که وجود دارد این است که در سرشماری‌های ایران هیچ پرسشی در زمینه قومیت وجود ندارد. اگرچه روش خاصی برای رفع این مشکل وجود ندارد، ولی می‌توان برحسب ترکیب جمعیت شهرستان یا منطقه‌ای خاص که اکثریت جمعیت آن را افرادی از یک قوم خاص تشکیل می‌دهند، این مشکل را کاهش داد.

متأسفانه حل این مشکل در سرشماری‌های دوم (۱۳۴۵) و سوم (۱۳۵۵) بسیار دشوار است، زیرا که جمعیت ترکمن‌ها در دو شهرستان گرگان و گنبد کاووس و در میان جمعیت سایر اقوام ساکن در این دو شهرستان پراکنده‌اند و محاسبه میانگین سن ازدواج به روش هاینل در این دو شهرستان نشانگر سن ازدواج ایرانیان ترکمن نخواهد بود.

تفکیک شهرستان ترکمن از شهرستان گرگان در اوایل دهه ۱۳۶۰ امکان محاسبه و مقایسه میانگین سن ازدواج مردان و زنان این شهرستان را در سرشماری‌های سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ فراهم می‌کند. این شهرستان در غرب ترکمن صحرا قرار دارد و اکثریت ساکنان آن را ترکمن‌های یموت تشکیل می‌دهند.

بر اساس محاسبات انجام شده، میانگین سن ازدواج در این شهرستان در سال ۱۳۶۵ برای مردان و زنان به ترتیب ۲۵/۰۳ و ۲۲/۲۷ سال بوده است که نسبت به میانگین‌های متناظر در سطح کل کشور برای هر دو جنس (۲۳/۸ و ۱۹/۹ برای زنان و مردان) بسیار بالاتر است. این تفاوت و اختلاف در میانگین‌ها در سرشماری سال ۱۳۷۵ نیز کاملاً مشهود است، به طوری که

میانگین سن ازدواج در این شهرستان در سال ۱۳۷۵ برای مردان ۲۶،۰۴ سال و برای زنان ۲۴،۴۶ سال بوده است.

جدول شماره ۱. میانگین سن ازدواج بار اول کل کشور، استان مازندران و شهرستان‌های شرق مازندران (استان گلستان کنونی)، در سرشماری‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵

۱۳۷۵		۱۳۶۵		
زن	مرد	زن	مرد	
۲۲/۴۰	۲۵/۶۰	۱۹/۸۰	۲۳/۶۰	کل کشور
۲۲/۵۰	۲۴/۵	۲۰/۶۰	۲۳/۰۰	استان مازندران
۲۴/۵۰	۲۶/۰۰	۲۲/۳۰	۲۵/۰	شهرستان ترکمن
۲۲/۵۲	۲۴/۵۴	۲۱/۰۶	۲۳/۰۲	کردکوی
۲۲/۴۵	۲۴/۸۶	۲۰/۳۳	۲۳/۴۹	گرگان
۲۲/۱۷	۲۴/۲۴	۱۹/۵۶	۲۲/۵۶	علی‌آباد
۲۲/۵۶	۲۴/۷۲	۱۹/۱۷	۲۲/۰۹	گنبدکاووس
۲۱/۷۲	۲۳/۶۰	—	—	مینودشت*

* در سرشماری ۱۳۶۵ شهرستان مینودشت هنوز از شهرستان گنبدکاووس تفکیک نشده بود.
منبع: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵، کل کشور، استان مازندران و شهرستان‌های ترکمن، کردکوی، گرگان، علی‌آباد، گنبدکاووس و مینودشت.

این میانگین‌ها در مقایسه با سطح کل کشور و استان مازندران در محدوده‌های زمان انجام سرشماری‌ها نشان‌دهنده بالاتر بودن قابل توجه سن ازدواج ترکمن‌ها و به‌ویژه زنان ترکمن در آن سال‌هاست. میانگین سن ازدواج مردان ترکمن در سال ۱۳۶۵ نسبت به کل کشور حدود ۱/۵ سال و نسبت به استان مازندران دو سال بالاتر بوده است. این تفاوت‌ها در مورد زنان بیشتر است و این اختلاف با سطح کل کشور به ۲/۵ سال می‌رسد. در سال ۱۳۷۵ اختلاف در میانگین سن ازدواج مردان ترکمن با کل کشور بسیار کاهش یافته است، ولی اختلاف سن ازدواج زنان ترکمن با سطح کل کشور در همان حد بیش از دو سال باقی مانده است (جدول شماره ۱).

مقایسه میانگین سن ازدواج در شهرستان ترکمن و سایر شهرستان‌های نزدیک به این شهرستان که هم اکنون استان گلستان را تشکیل می‌دهند نیز گویای بالاتر بودن میانگین سن ازدواج ساکنین این شهرستان نسبت به سایر شهرستان‌های استان تازه تأسیس گلستان است.

۲. آمارگیری‌های نمونه‌ای

آمارگیری‌های نمونه‌ای نیز بالاتر بودن میانگین سن ازدواج به‌ویژه برای زنان را در میان این گروه قومی نشان می‌دهند. طرح آمارگیری زاد و ولد در ایران (۱۳۷۰)، که با همکاری سازمان ثبت احوال و وزارت بهداشت انجام شد شاید اولین آمارگیری نمونه‌ای در کشور است که در آن قومیت افراد مورد پرسش قرار گرفته و جدول مربوط به میانگین سن ازدواج زنان بر حسب قومیت آنها ارائه شده است. نتایج این آمارگیری به وضوح نشانگر بالاتر بودن سن ازدواج زنان ترکمن نسبت به زنان سایر اقوام ایرانی مسلمان بوده است. این آمارگیری نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج زنان ترکمن در نواحی شهری ۱۹/۹ سال و در نواحی روستایی ۱۹/۴ سال بوده است. هر کدام از این دو میانگین حدود یک و نیم سال بالاتر از میانگین سن ازدواج زنان شهری و روستایی در کل کشور (۱۸/۵ و ۱۷/۹ سال به ترتیب زنان شهری و روستایی) و در میان سایر اقوام بوده است.

جدول ۲. میانگین سن در ازدواج اول بر حسب قومیت در آمارگیری‌های نمونه‌ای ۱۳۷۰ و ۱۳۸۱

آمارگیری سال ۱۳۸۱		آمارگیری سال ۱۳۷۰ (زنان)			قومیت
مرد	زن	روستایی	شهری	جمع	
۲۳/۹	۲۰/۸	۱۶/۹	۱۶/۹	۱۶/۹	بلوچ
۲۵/۰	۲۰/۹	۱۶/۹	۱۷/۳	۱۷/۱	لر
۲۵/۳	۲۲/۱	۱۷/۹	۱۸/۴	۱۸/۲	ترک
۲۵/۷	۲۳/۰	۱۸/۲	۱۸/۵	۱۸/۳	کرد
۲۴/۸	۲۳/۴	۱۸/۱	۱۸/۴	۱۸/۳	عرب
۲۵/۷	۲۳/۴	۱۷/۹	۱۸/۶	۱۸/۴	فارس
۲۵/۸	۲۴/۱	۱۸/۹	۱۹/۶	۱۹/۲	مازندرانی**
۲۵/۹	۲۴/۵	۱۹/۴	۱۹/۹	۱۹/۵	ترکمن
۲۶/۵	۲۴/۹	—	—	—	گیلک
۲۵/۹	۲۳/۲	۱۷/۹	۱۸/۵	۱۸/۳	کل

* در آمارگیری سال ۱۳۷۰ میانگین سن ازدواج فقط برای زنان ارائه شده است.

** در آمارگیری سال ۱۳۷۰ مازندرانی و گیلک در یک گروه به نام شمالی قرار داده شده بودند.

در آمارگیری از «ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی خانوارها» در سال ۱۳۸۱ نیز قومیت افراد مورد پرسش قرار گرفته است. طبق این آمارگیری سن متوسط ازدواج زنان در میان گیلک‌ها و ترکمن‌ها (به ترتیب ۲۴/۹ و ۲۴/۵ سال) بیش از سایر اقوام بوده است. این ارتباط برای سن

ازدواج مردان نیز وجود دارد، به طوری که میانگین سن ازدواج برای مردان گیلک و ترکمن به ترتیب ۲۶/۵ و ۲۵/۹ سال بوده است (کاظمی پور ۱۳۸۱).

همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود، میانگین سن ازدواج زنان ترکمن در هر دو آمارگیری بیش از یک سال بالاتر از سطح میانگین کل کشور قرار دارد.

موارد اشاره شده در بالا دو واقعیت را در مورد سن ازدواج ترکمن ها در ایران نشان می دهند: اول این که در طول چند دهه گذشته سن ازدواج در میان این گروه قومی افزایش سریعی پیدا کرده و دوم این که سرعت این افزایش در قیاس با کل کشور یا سایر قومیت ها بالاتر بوده است. چه عواملی ممکن است باعث این چنین تغییرات گسترده در سن ازدواج این مردم و تفاوت های بارز آن نسبت به سطح متوسط کشور یا استان شده باشد؟

در پاسخ به پرسش اول، اگرچه نظریات نوسازی و مبادله، به دلیل تغییرات سریع اقتصادی - اجتماعی رخ داده در چند دهه اخیر، تا اندازه زیادی می توانند به توجیه روند افزایش سریع سن ازدواج در میان این گروه قومی در دهه های اخیر یاری رسانند، ولی در مورد پرسش دوم، یعنی بالاتر بودن سن ازدواج این مردم و به ویژه زنان آنها به نظر می رسد این نظریات کمتر قابل کاربرد یا دفاع هستند و لازم است به متغیرهای دیگری مانند قومیت و ویژگی ها و ارزش ها و هنجارهای قومی توجه بیشتری مبذول شود.

تغییرات اقتصادی - اجتماعی

ایرانیان ترکمن یکی از چندین گروه قومی ایرانی هستند که در شمال کشور و شرق دریای خزر تا کوه های خراسان شمالی به سر می برند. نزدیکی به صحرای قراقوم، وجود کوه های البرز و خراسان، جریان رودهای گرگان، اترک و قره سو و وجود دریای خزر چهار میراث طبیعی هستند که باعث تنوع آب و هوایی و گستردگی امکانات طبیعی در این منطقه شده اند (کنعانی ۱۳۸۴). ترکمن ها در طول تاریخ استفاده های مناسبی از این امکانات طبیعی در زمینه فعالیت های اقتصادی بومی مانند دامپروری، کشاورزی، ماهیگیری و تجارت به عمل آورده اند، به طوری که به دلیل موفقیت آنها در سازگاری مناسب با این شرایط بومی از نظر مردم شناسانی مانند آبرونز به عنوان مردمی موفق و کامیاب از نظر اقتصادی شناخته شده بودند (زیر چاپ).

ترکمن ها تاریخ پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته اند. اما تاریخ اخیر آنها از نیمه دوم قرن نوزدهم و به ویژه پس از لشکرکشی رضاشاه به ترکمن صحرا در ربع اول قرن بیستم حاوی تغییرات اقتصادی - اجتماعی سریع در منطقه است. اگرچه بخشی از ترکمن ها (گوگلان ها) پیش

از این لشکرکشی در مناطق شرقی ترکمن صحرا و بخشی دیگر (یموت‌های چومر) در مناطق ژغریبی آن به زندگی یک‌جانشینی روی آورده بودند^۱، اما تغییرات چندانی در وضعیت و شیوه زندگی آنها روی نداده بود. از مهم‌ترین این تغییرات در دوره نوسازی می‌توان به افزایش میزان‌های شهرنشینی، سواد و تغییرات در وضع و نوع اشتغال اشاره کرد.

شهرنشینی و سن ازدواج

در آغاز دوران نوسازی در ترکمن صحرا به دلیل ماهیت ساختار اقتصادی منطقه میزان‌های شهرنشینی بسیار پایین بوده است. حتی در سرشماری سال ۱۳۳۵ به غیر از دو شهر کمش‌تپه و گنبد کاووس که بیش از ۵ هزار نفر جمعیت داشتند بقیه نقاط (به غیر از بندر ترکمن) به عنوان نقاط روستایی کمتر از ۵ هزار نفر شمارش شده بودند. سهم جمعیتی این دو شهر از کل جمعیت حوزه سرشماری دشت گرگان فقط ۱۸ درصد بوده است.

طی سال‌های بعد میزان‌های شهرنشینی افزایش یافته است. با این وجود، میزان شهرنشینی در این منطقه نیز مانند سایر مناطق شمال کشور همواره پایین‌تر از سطح کل کشور بوده است. به عنوان مثال، در حالی که در سال ۱۳۷۵ درصد شهرنشینی در کل کشور به ۶۱/۳ درصد رسیده بود، در شهرستان ترکمن رقم این شاخص ۴۷/۵ درصد بوده است.

رابطه بین شهرنشینی و سن ازدواج زنان ترکمن (در شهرستان ترکمن) بر عکس انتظار و بر عکس رابطه مشاهده شده در سطح کل کشور و مناطق دیگر کشور است. به طوری که در جدول شماره ۳ مشخص است، در این شهرستان میانگین سن ازدواج مردان در مناطق شهری در هر دو سرشماری سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ بالاتر از مناطق روستایی، ولی میانگین سن ازدواج زنان شهری همواره پایین‌تر از مناطق روستایی بوده است. در سال ۱۳۷۵ میانگین سن ازدواج زنان شهری نزدیک به ۲۴ سال بوده که از سطح کل کشور ۱/۵ سال بالاتر است، در حالی که میانگین سن ازدواج زنان در مناطق روستایی نزدیک به ۲۵ سال بود که حدود ۲/۵ سال بالاتر از میانگین سن ازدواج زنان روستایی کل کشور و یک سال بالاتر از سن ازدواج زنان شهری ترکمن بوده است. اختلاف بین میانگین سن ازدواج زنان شهری و روستایی ترکمن طی دو دهه گذشته به موازات افزایش در سن ازدواج رو به افزایش بوده است.

۱. در سال ۱۹۱۶ میلادی، تا ۸۵ درصد یموت‌ها از کوچ‌نشینی دست کشیده بودند و در سال ۱۹۲۴ شمار ترکمن‌های اسکان‌یافته از این هم بیشتر بود (لوگاشوا ۱۳۵۹ ص ۳۹).

جدول شماره ۳. میانگین سن ازدواج مردان و زنان در مناطق شهری و روستایی شهرستان ترکمن در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵

۱۳۷۵		۱۳۶۵		
زن	مرد	زن	مرد	
۲۳/۸۵	۲۶/۴۴	۲۱/۷۵	۲۵/۵۳	مناطق شهری
۲۴/۹۸	۲۵/۷۱	۲۲/۶۵	۲۴/۶۰	مناطق روستایی

مهم‌ترین دلیلی که می‌توان در مورد بالاتر بودن سن ازدواج زنان روستایی عنوان کرد، برهم خوردن ساختارهای اقتصادی در منطقه به دنبال اجرای سیاست اسکان اجباری به همراه رشد سریع جمعیت در دهه‌های گذشته است. میزان بالای بیکاری در شهرستان ترکمن در حد ۲۷ درصد در سال ۱۳۷۵ در کنار برخی از زمینه‌های فرهنگی مربوط به درون همسری و بروز مسئله تنگنای ازدواج از جمله دلایل دیگری است که می‌توان در این مورد بدان اشاره کرد. به این موارد در ادامه مقاله بیشتر خواهیم پرداخت.

سواد و سن ازدواج

از تغییرات اساسی ناشی از نوسازی در ترکمن صحرا می‌توان به رشد میزان‌های سواد و تحصیلات در این منطقه اشاره کرد که یکی از وجوه بارز تغییرات دوران اخیر در این منطقه و در کل کشور است. معینی (۱۳۴۴) نوشته است که به هنگام آغاز سیاست‌های رضاشاه میزان باسوادی در ولایت استرآباد به ۵ درصد نیز نمی‌رسید و در میان ترکمن‌ها میزان باسوادی از این هم کمتر بوده است (لوگاشوا ۱۳۵۹). میزان باسوادی در زمان اولین سرشماری (۱۳۳۵) در حوزه سرشماری دشت گرگان که اکثر مناطق ترکمن نشین را شامل می‌شد برای مردان ۱۵ درصد و برای زنان ۲ درصد بوده است که در مقایسه با سطح کل کشور (به ترتیب برای مردان و زنان ۲۲/۲ و ۷/۳ درصد) بسیار پایین است.

همچون میزان‌های شهرنشینی، میزان‌های باسوادی، به‌ویژه در مناطق غربی ترکمن صحرا مانند شهرستان ترکمن، در طی سال‌ها و دهه‌های بعد افزایش چشمگیری یافت. هرچند میزان‌های باسوادی زنان و مردان تا قبل از سال‌های ۱۳۷۰ نسبت به کل کشور پایین‌تر بود، ولی در سرشماری ۱۳۷۵ میزان باسوادی مردان شهرستان ترکمن نسبت به سطح متوسط کشوری تفاوت چندانی نداشته است، در حالی که میزان باسوادی زنان همواره و حتی در سرشماری ۱۳۷۵ در این شهرستان نسبت به کل کشور پایین‌تر بوده است (جدول ۴).

جدول ۴. میزان‌های باسوادی در جمعیت ۶ ساله و بالاتر شهرستان ترکمن در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵

روستایی		شهری		کل		سال
زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	
۳۸/۷	۷۳/۱	۵۱/۵	۷۸/۵	۴۴/۲	۷۵/۴	۱۳۶۵
۶۳/۹	۸۴/۴	۷۴/۰	۹۰/۰	۶۸/۷	۸۷/۱	۱۳۷۵

رابطه میان میزان باسوادی و سن ازدواج را می‌توان در این منطقه مشاهده کرد، به طوری که میانگین سن ازدواج مردان و به‌ویژه زنان باسواد در سال ۱۳۷۵ نسبت به مردان و زنان بیسواد بالاتر است. در این میان بالا بودن سن ازدواج زنان روستایی باسواد نسبت به سایر زنان

جدول ۵. میانگین سن ازدواج مردان و زنان باسواد و بی‌سواد در شهرستان ترکمن در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵

بی‌سواد		باسواد		مناطق	سال
زن	مرد	زن	مرد		
۲۰/۳	۲۴/۴	۲۱/۲	۲۵/۲	مناطق شهری	۱۳۶۵
۲۲/۱	۲۲/۷	۲۳/۴	۲۴/۶	مناطق روستایی	
۲۱/۰	۲۵/۹	۲۳/۶	۲۶/۴	مناطق شهری	۱۳۷۵
۲۲/۸	۲۵/۱	۲۶/۰	۲۵/۷	مناطق روستایی	

برجسته‌تر و غیرعادی می‌نماید (جدول ۵). به‌طور کلی، ارقام جدول ۵ نشان می‌دهد که زنان باسواد چه در مناطق شهری یا در مناطق روستایی دیرتر از زنان بی‌سواد ازدواج می‌کنند.

رسوم قومی و سن ازدواج

علی‌رغم تأثیر نسبی عوامل نوسازی در افزایش سن ازدواج ایرانیان ترکمن، نمی‌توان بالاتر بودن آن را نسبت به کل کشور و یا استان ناشی از نوسازی دانست. به نظر می‌رسد که این تفاوت‌ها بیشتر ناشی از وجود برخی از رسوم قومی در میان ترکمن‌ها و پابندی مردم ترکمن به این رسوم علی‌رغم بالا رفتن سطح تحصیلات یا بهبود سایر شاخص‌های نوسازی در این منطقه است. وجود قواعد مربوط به درون همسری، پرداخت شیربها و نقش والدین در تصمیم‌گیری

نهایی در ازدواج و به‌ویژه ازدواج دختران از جمله عوامل قومی است که هنوز در قواعد ازدواج ترکمن وجود دارند.

در اکثر تحقیقات در مورد سن ازدواج به عامل رسوم قومی یا توجهی نشده یا صرفاً به نقش و تأثیر آن در کاهش سن ازدواج توجه شده است (به عنوان مثال کاظمی پور ۱۳۸۳)، در صورتی که به نظر می‌رسد در مورد ایرانیان ترکمن، رسوم اجتماعی و به‌ویژه در پیوند با برخی زمینه‌های مثبت یا منفی حاصل از نوسازی، مانند سطح تحصیلات و بروز بیکاری، موجب افزایش سن ازدواج شده است.

به نظر می‌رسد که مهم‌ترین رسم مؤثر بر افزایش سن ازدواج قوم ترکمن، رسم درون همسری و بروز محدودیت در بازار ازدواج در اثر رشد جمعیتی گذشته و بر هم خوردن تعادل جنسی و بروز مکانیزم تنگنای ازدواج است. علاوه بر آن می‌توان به نقش هزینه‌های ازدواج و رسم پرداخت شیربها (بهای عروس) به والدین عروس در زمان ازدواج از طرف داماد یا خانواده او و تهیهٔ جهیزیه برای عروس توسط والدین عروس اشاره کرد.

درون همسری

در میان ترکمن‌ها مهم‌ترین اولویت و ارزشی که در انتخاب همسر برای یک زن یا مرد جوان و به‌ویژه در ازدواج اول در نظر گرفته می‌شود، ترکمن بودن همسر آینده است، زیرا هنوز در میان ترکمن‌ها انتخاب همسر از غیر ترکمن، به‌ویژه برای دختران، حتی اگر همسر آینده او از قشرهای بالاتر نیز باشد (فرداست همسری) مسئله‌ای قابل نگرانی و سرزنش به شمار می‌آید. گاهی اوقات درون همسری ترکمن‌ها در دایرهٔ محدودتر طایفه‌ای و قبیله‌ای نیز قرار می‌گیرد. مسئله‌ای که به نقش درون همسری در افزایش سن ازدواج ترکمن‌ها دامن می‌زند، محدودیت جمعیتی ترکمن‌ها از نظر تعداد، رشد شدید جمعیتی دهه‌های اخیر، جوان‌تر شدن ساختار جمعیتی، بر هم خوردن تعادل جنسیتی جمعیت در سن ازدواج و در نتیجه بروز پدیدهٔ تنگنای ازدواج برای زنان و کاهش شانس ازدواج آنان است.

تنگنای ازدواج که در نتیجه میزان‌های بالای زاد و ولد در دهه‌های گذشته و رشد شتابان جمعیت در کشور شدت یافته است، در جوامع درون همسر مانند جامعه ایرانیان ترکمن تأثیر به‌سزایی در مجرد ماندن زنان و مردان و در نتیجه افزایش سن ازدواج داشته است. به عنوان مثال در شهرستان ترکمن در سال ۱۳۷۵ فقط ۳۸/۶ درصد زنان ۲۰-۲۴ ساله ازدواج کرده بودند، در حالی که در سطح کل کشور درصد زنان ازدواج کرده در این گروه سنی ۶۰/۷ درصد بود. در گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله درصد زنان ازدواج کردهٔ ترکمن (۶/۵ درصد) یک سوم این میزان در سطح کل کشور (۱۸/۶ درصد) بوده است.

هزینه‌های عروسی

ترکمن‌ها به‌طور سنتی مبلغی را به عنوان بهای عروس (علاوه بر طلا و جواهراتی که به عنوان هدیه به عروس داده می‌شود) به خانواده عروس می‌پردازند. تأمین این مبلغ و طلا و جواهرات و همچنین هزینه‌های برگزاری مراسم عروسی که در نزد ترکمن‌ها به‌طور مفصل برگزار می‌شود، به عهده داماد و خانواده اوست. در مقابل خانواده عروس لوازمی را به عنوان جهیزیه تهیه و در روز عروسی همراه با خود عروس به خانواده داماد تحویل می‌دهند. از نظر آیرونز (۱۳۵۳) تأمین این مبالغ و هزینه‌ها بار اقتصادی بر دوش خانواده‌ها گذاشته و در نتیجه برای مردان خانواده‌های فقیر و مخصوصاً در دوره‌های رکود و بحران اقتصادی موجب تأخیر در سن ازدواج می‌شده است.

نوسازی و افزایش شهرنشینی و سطح تحصیلات و سایر تغییرات ناشی از آنها نه تنها به کاستن از این مراسم و هزینه‌های آن منجر نشده، بلکه باعث مفصل‌تر شدن این مراسم و افزایش هزینه‌ها نیز شده است. در کنار این مسائل، مسئله افزایش بیکاری و فقر در نزد ترکمن‌ها در چند دهه گذشته و تورم شدیدی که اقتصاد منطقه و کل کشور را تحت تأثیر قرار داده، موجب کاهش توان اقتصادی مردم در تأمین هزینه‌های عروسی و در نتیجه افزایش سن ازدواج شده است.

نگاهی به آمارهای بیکاری در شهرستان ترکمن در سال‌های گذشته می‌تواند گسترش فقر و در نتیجه عدم توانایی در تأمین هزینه‌های ازدواج را نشان دهد. در سال ۱۳۷۵ میزان بیکاری مردان و زنان در سطح شهرستان بیش از ۲۳ درصد بوده است. این میزان در مناطق روستایی به ۲۶/۵ درصد نیز می‌رسد. مسلماً چنین سطحی از بیکاری در کنار مفصل‌تر برگزار شدن مراسم عروسی نقش بسزایی در افزایش سن ازدواج داشته است.

نتیجه‌گیری

ترکمن‌ها در تحقیقات علوم اجتماعی به عنوان مردمی عشایر با شیوه دامداری توصیف شده‌اند. این شیوه زندگی در اثر اجرای سیاست اسکان اجباری رضاشاه (مگر به صورتی بسیار محدود و تغییر شکل یافته) کاملاً از بین رفت. شهرنشینی به تدریج افزایش یافت و شهرهای جدیدی تشکیل شد. مهاجرت به شهرها انسجام خانوادگی را تحت تأثیر قرار داد. آموزش و پرورش تغییراتی را در شغل مردم ایجاد کرد، از بین رفتن شغل‌های خانوادگی در اثر این تغییرات موجب از بین رفتن خانواده‌های گسترده و استقرار خانواده‌های هسته‌ای جدید شد. با سواد شدن و تحصیلات زنان و اشتغال آنان در فعالیتهای خارج از منزل این فرایندها را تسریع کرد. تمامی

این جریانات موجب تغییراتی در فرایند همسرگزینی و بالطبع افزایش اختیار افراد در گزینش همسر و زمان ازدواج شد. سن ازدواج به عنوان یک پدیده تابع این جریانات افزایش فوق‌العاده‌ای یافت.

ولی این تغییرات ناشی از نوسازی یک روی سکه است و افزایش در سن ازدواج در میان این مردم صرفاً به نوسازی مربوط نمی‌شود. بلکه برخی شواهد نشان می‌دهند که روند نوسازی در مناطق ترکمن‌نشین‌کنندتر از سایر نواحی کشور و به‌ویژه مناطق نزدیک به آن بوده است و در این فرایند زنان سهم بسیار اندکی داشتند. به عنوان مثال، میزان‌های باسوادی زنان، درصد زنان در تحصیلات عالی و درصد زنان شاغل در فعالیت‌های خارج از منزل در میان ترکمن‌ها نسبت به سایر مناطق کشور و حتی نسبت به زنان استان گلستان و مازندران بسیار پایین‌تر است.

یکی از عوامل بالا بودن سن ازدواج در میان این مردم، چه در گذشته و چه در حال حاضر، وجود برخی عوامل و زمینه‌های فرهنگی است که خود از بازمانده‌های دوران زندگی عشایری و دامداری آنان است. پرداخت شیربها یا همان بهای عروس که به‌طور سنتی برای ترکمن هم به مفهوم جبران ضرر و هم به مفهوم تضمین زندگی و رفاه آینده (آیرونز، زیر چاپ) به کار آمده است، به نوبه خود موجب بالا رفتن سن ازدواج در میان آنها بوده است. برخی شواهد نشان می‌دهند که سن ازدواج در این جامعه در گذشته در میان برخی اقشار اجتماعی و به‌ویژه فقرا بالا بوده است (آیرونز ۱۳۵۳ و زیر چاپ). گسترش بیکاری و فقر در کنار هزینه‌های گزاف برگزاری مراسم عروسی که به‌طور سنتی مفصل برگزار می‌شده و بر اثر ورود برخی جلوه‌های نوسازی شدت نیز یافته، موجب افزایش سن ازدواج شده است.

از عوامل فرهنگی دیگر در افزایش سن ازدواج درون همسری بودن گزینش همسر، به‌ویژه در ازدواج بار اول است. این پدیده بر اثر رشد جمعیت و برهم خوردن تعادل در نسبت زنان و مردان در سن ازدواج موجب تشدید تنگنای ازدواج شده است. یکی از نتایج بارز بروز پدیده تنگنای ازدواج، افزایش سن ازدواج به‌ویژه برای زنان در چند دهه اخیر بوده است.

افزایش شدید سن ازدواج در دهه‌های اخیر، به‌ویژه برای زنان ترکمن، نمی‌تواند صرفاً ناشی از نوسازی و توسعه یافتگی باشد، بلکه بیشتر ناشی از رشد شدید جمعیتی در دهه‌های گذشته و وجود برخی موانع و محدودیت‌های اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی است که در دوره نوسازی شدت نیز یافته است و شاید با الهام از دورکیم بتوان آن را نوعی آتومی جمعیتی یا عدم تطابق انتظارات فرهنگی با واقعیات اجتماعی-جمعیتی دانست که در سال‌های اخیر نه تنها در میان ترکمن‌ها، بلکه در بسیاری از مناطق دیگر کشور نیز شدت یافته است.

منابع

- آیرونز، ویلیام (۱۳۵۳) «تنظیم جمعیت از راه‌های اجتماعی: نتایج تحقیق در میان ترکمن‌های شمال ایران»، ترجمه بابک قهرمان، مردم‌شناسی و فرهنگ عامه ایران، شماره ۱، صص ۸۴-۱۰۱.
- آیرونز، ویلیام (زیر چاپ) *یموت‌های ترکمن: مطالعه سازمان خویشاوندی در یک جمعیت ترک زبان آسیای مرکزی*، ترجمه محمد امین کنعانی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی و نشر افکار، تهران، چاپ اول.
- پاپلی یزدی، م. ح. (۱۳۷۱) «ازدواج زودرس»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره یک، سال هفتم.
- رابینو، ه. ل. (۱۳۴۳) *سفرنامه مازندران و استرآباد*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سازمان ثبت احوال (۱۳۷۰) «نتایج طرح آمارگیری زاد و ولد»، دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی، تهران.
- عسکری خانقاه و کمالی (۱۳۷۴) *ایرانیان ترکمن: پژوهشی در مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی*، انتشارات اساطیر، تهران، چاپ اول.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۳) «تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن»، *فصلنامه پژوهش زنان*، دوره ۲، شماره ۳.
- کنعانی، محمدامین (۱۳۸۴) «میراث طبیعی و شیوه زندگی ایرانیان ترکمن»، مجموعه مقالات سمینار «میراث طبیعی»، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- لوگاشوا، بی‌بی رابعه (۱۳۵۹) *ترکمن‌های ایران*، ترجمه سیروس ایزدی و حسین تحویلی، تهران، شباهنگ.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۱) *آمارگیری از ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی جمعیت، خانوار، تهران*، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- معینی، اسدالله (۱۳۴۴) *جغرافیا و جغرافیای تاریخی گرگان و دشت*، نشر کتاب، تهران.

- Bartz, K. W, & F. I. Nye (1970) "Early Marriage: A Propositional Formulation", *Journal of Marriage and The Family*, Vol. 32 (2): 258-268.
- Becker, Gary S (1974) "A Theory of Marriage" In: T. W. Schultz. (Ed.) *Economics of the Family: Marriage, Children and Human Capital* (pp. 299-344), The University of Chicago Press, Chicago.
- Caldwell, J. C. (1981) "The Mechanisms of Demographic Change in Historical Perspective", *Population Studies*, Vol. 35: 5-27.
- Davis, Kingsley (1963) "The Theory of Change and Response in Modern Demographic History", *Population Index*, Vol. 29: 345-366.
- De Silva, W. I. (1990) "Age at Marriage in Sri Lanka: Stabilizing or Declining?", *Journal of Bio-Social Science*, Vol. 22: 395-404.
- Dixon, Ruth B. (1971) "Explaining Cross-cultural Variation in Age at Marriage", *Population Studies*, Vol. 25: 215-233.
- Dixon, Ruth B. (1978) "Late Marriage and Non-Marriage as Demographic Responses: Are They Similar?", *Population Studies*, Vol. 32 (1): 449-466.

- Espenshad, T. J. (1985) "Marriage Trends in America: Estimates, Implications and Underlying Causes", *Population and Development Review*, Vol. 11 (2): 193-244.
- Good, William J. (1974) "Comment: The Economic of Non Monetary Variables, In T. W. Schults, *Economics of the Family: Marriage, Children and Human Capital* (Ed.): 345-351, The University of Chicago Press, Chicago.
- Good, William J. (1963) *World Revolution and Family Pattern*. New York: Free Press.
- Karkal, Malini (1968) "Age at Marriage", *The Journal of Family Welfare*, Vol. 14 (3): 51-56.
- Kirk, D. (1969) "Natality in Developing Countries Recends Trends and Prospects", In S. J. Behrman, L. Corsa and R. freedman (eds.), *fertility and family planning: A world view*, (Ann Arbor: university of michigan press, pp. 75-98.
- Lesthaeghe, R. (1998) "On theory Development: Applications to the Study of Family Formation", *Population and Development Review* Vol. 24 (1): 1-14.
- Malhutra, Anju & Amy Ong Tsui (1996) "Marriage Timing in Sri Lanka: The Role of Modern Norms and Ideas", *Journal of Marriage and the Family*, Vol. 58 (2): 476-490.
- Malhotra, Anju (1997) "Gender and the Timing of Marriage Rural-Urban Differences in Java", *Journal of Marriage and the family*, Vol. 59: 434-450.
- Minh, N. H. (1997). "Age at First Marriage in Vietnam: Patterns and Determinants", *Asia-Pacific Population Journal*, Vol. 12 (2): 49-72.
- Momeni, D. A. (1979) "Determinants of Female First Marriage in Shiraz Iran", *Canadian Studies in Population*, Vol. 6: 81-99.
- Palmore, James (1983) "The Country Effect: A six Nation Overview of the Determinants of Nuptiality and Cumulative Fertility", In: United Nations: *Asian Population Studies Series*, No.59. Multivariate Analysis of Nuptiality and Fertility for Selected ECAPS Countries. pp. 6-11.
- Sklar J. L. (1974) "The Role of Marriage Behavior in the Demographic Transition: The Case of Eastern Europe Around 1900", *Population Studies*. Vol. 28 (2): 231-247.
- Smith, Peter C. (1980) "Asian Marriage Patterns in Transition", *Journal Of Family History*, Vol. 5 (1): 58-96.
- Srivastava, J. N. (1986) "Factors in Female Age at Marriage in India with Special Reference to Literacy Status: Inter-State Analysis for 1981", *Demography India*, Vol. 15(2).
- Thapa, Shyam (1997) "Timing of Family Formation in Ethnic Mosaic Nepal: A District-Level Analysis", *Asia-Pacific Population Journal*, Vol. 12 (2): 75-86.
- United Nations (1988) *First Marriage: Patterns and Determinants*, New York

ST/ESA/SER.R/76.

Von Elm, Barbara and Charles Hirschman (1979) "Age at First Marriage in Peninsular Malaysia", *Journal of Marriage and the Family*, Vol. 41 (November): 887-891.

Walsh, B. M. (1972) "Trends in Age at Marriage in Postwar Ireland", *Demography*, Vol. 9(2): 187-202.

Xenos Peter and Socorro A. Gultiano (1992) "Trends in Female and Male Age at Marriage and Celibacy in Asia", by. East-West Center Occasional Papers, *Population Series*, No. 120. September.